



شورای سیاستگذاری حوزه‌های علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران

معاونت پژوهش مدرسه عصمتیه سمنان

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان:

نصایح پدران به فرزندان در قرآن و حدیث

استاد راهنما:

سرکار خانم سمیه مهدوی نژاد

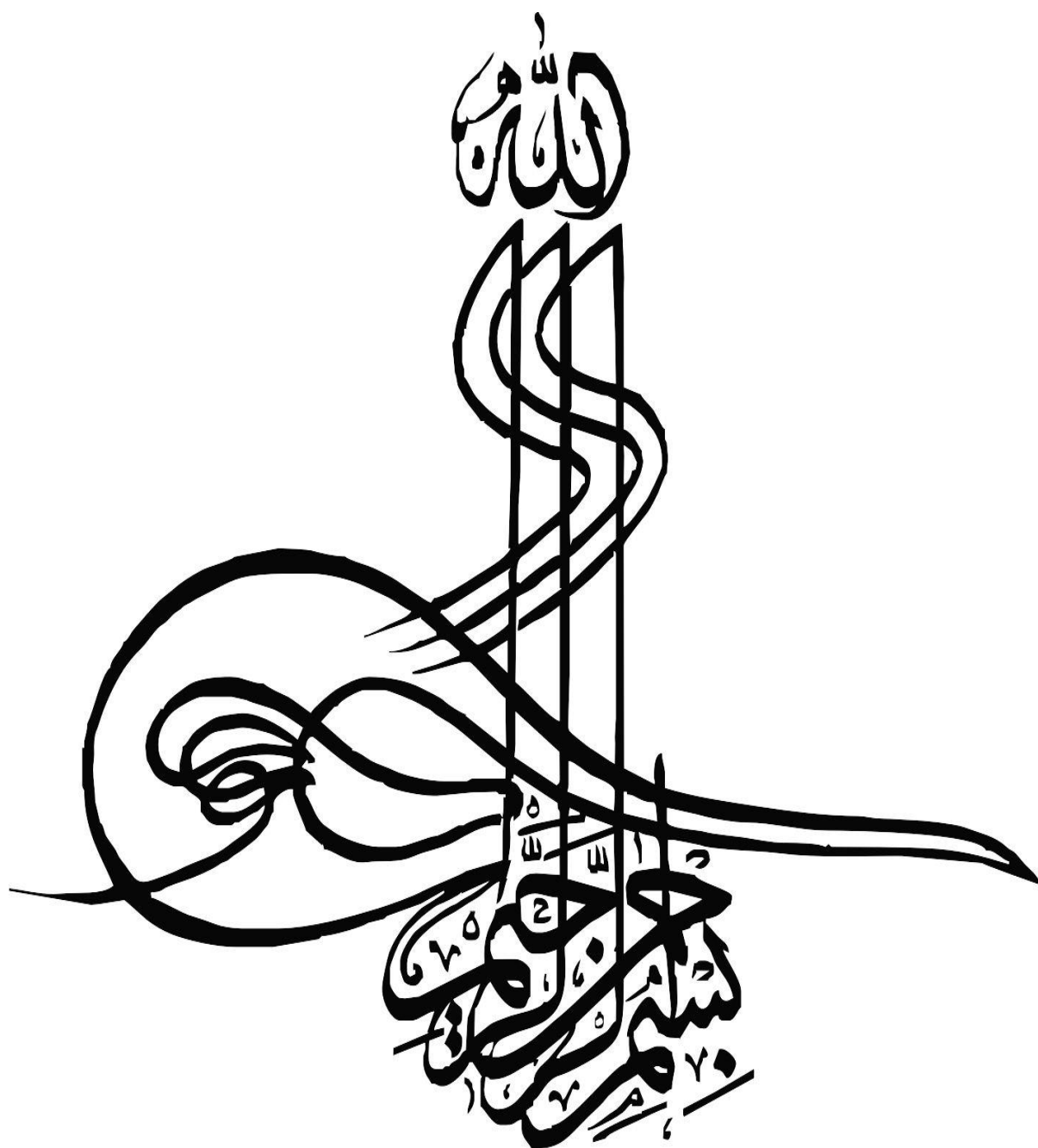
استاد داور:

حجت الاسلام علی گلایری

پژوهشگر:

سیده حمیده موسوی

تابستان ۱۳۹۵



این اثر ناچیز و ناقابل را به رسم ادب تقدیم می کنم به:

یگانه منجی عالم بشریت ، قطب عالم، مهدی موعود

حضرت حجه ابن الحسن العسگری (عج الله تعالی فرجه الشریف)

باشد که بتوانیم سرباز کوچکی در عرصه علم و عمل برای آن حضرت باشیم.

انشاءالله

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت در مکتب امام صادق (علیه السلام) را به ما عطا فرمود. برخود لازم می دانم از زحمات تمامی اساتید بزرگواری که در طول مدت تحصیل، صبورانه و با کمال سعه صدر، حسن خلق و فروتنی، مرا در تحصیل علم و معرفت یاری نمودند، به ویژه سرکار خانم سمیه مهدوی نژاد که راهنمایی اینجانب را در انجام این تحقیق بر عهده داشتند نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشم. همچنین از معاونت پژوهش مدرسه عصمتیه، سرکار خانم رستمیان که با راهنمایی و همکاری خود مرا مورد لطف قرار دادند، کمال تشکر را دارم. و وظیفه خود میدانم از زحمات پدر و مادر مهربان و همسر عزیزم که دلسوزانه در همه مراحل تحصیل مرا یاری نمودند تشکر و قدردانی نمایم.

چکیده:

پژوهش حاضر تحقیق پایانی با عنوان نصایح پدران به فرزندان در قرآن و حدیث است.

نصیحت و پند و اندرز از روشهای تربیت موثر در تربیت و تکامل نسل بشری است و در همه فرهنگها پذیرفته شده است در فرهنگ غنی اسلامی نیز از این ابزار تربیتی با شیوه و روش خاصی و در حدود معینی استفاده شده است.

اندرز دارای شرایط خاصی است که باید از سوی موعظه گر مورد توجه قرار گیرد و همچنین برای یافتن موارد کاربرد و جایگاه ارزشی و اهمیت آن باید به منابع اصیل تربیت انسان، قرآن و روایات - کتاب خدا و ثقلین- مراجعه کرد و ضمن بررسی مدارک موجود به این مهم دست یافت.

در پژوهش حاضر مواعظ موجود در قرآن و روایات دسته بندی شده و در سه محور ارتباط با خود، ارتباط با خالق و ارتباط با مخلوق بحث شده است.

واژگان کلیدی: موعظه، نصیحت، موعظه پدران، موعظه در روایات، موعظه در آیات

در عهد نوجوانی، شیطان باطن که بزرگ ترین دشمنان اوست، او را از فکر اصلاح خود باز میدارد و امید می دهد که وقت زیاد است؛ اکنون فصل برخورداری از جوانی است و هر آن و هر ساعت و هر روز که بر انسان میگذرد، درجه درجه، او را با وعده های پوچ، از این فکر باز میدارد؛ تا ایام جوانی را از او بگیرد و آن گاه که جوانی رو به اتمام است، او را به امید اصلاح در پیری، سرخوش میکند و در ایام پیری نیز این وسوسه شیطانی از او دست نکشد و وعده توبه در آخر عمر میدهد و در آخر عمر و شهود موت، حق تعالی را در نظر او مبغوضترین موجود جلوه میدهد که محبوب او را که دنیاست، از دستش گرفته است، این حال اشخاصی است که نور فطرت در آنها به کلی خاموش نشده است. (محرم راز، سفارش نامه حضرت امام قدس سره به جناب احمد آقا در تاریخ ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۸)

اشخاصی هستند که غرقاب دنیا، آنها را از فکر اصلاح دور نگه داشته و غرور دنیا، سرتا پای آنان را فراگرفته است. من خود چنین اشخاصی را در اهل علم اصطلاحی دیده ام و اکنون بعضی آنها در قید حیاتند و ادیان را هیچ و پوچ می دانند. * (محرم راز، سفارش نامه حضرت امام قدس سره به جناب احمد آقا در تاریخ ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۸).

فرزندم! سعی کن از مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می کند، پرهیز کنی؛ زیرا با خو گرفتن به این مجالس، ممکن است برخی توفیق ها از انسان سلب شود که خود، مصیبتی است جبران ناپذیر.

پسرم! هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا اگرچه حلال آن باشد، مباش که حب دنیا، گرچه حلال باشد، رأس همه خطاهاست؛ «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا.»

۵- پرهیز از تنبلی

یکی از مواردی که انسان باید از آن دوری کند تنبلی و بی حوصلگی است زیرا با تنبلی انسان از همه چیز بی بهره و بی نصیب می شود. امام موسی بن جعفر (علیه السلام) به بعضی از فرزندان خود در این باره چنین می فرمود: «وایاکم والضعف والکسل، فانهما یمنعان حظک من الدنیا و الاخره.» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۳). از تنگدلی و تنبلی پرهیز کن که این دو بهره تو را از دنیا و آخرت محروم سازند.

۶- ثمره خواب زیاد در شب فقر معنوی است

جابر بن عبدالله از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در مورد خواب زیاد چنین روایت کرده است : « قالت ام سلیمان بن داود لسلیمان یا بنی ایاک و کثره النوم باللیل فان کثره النوم تدع الرجل فقیرا یوم القیامه . » (ابن بابویه. ۱۳۷۶ش، ص ۲۰۷). مادر حضرت سلیمان به او گفت : فرزندم شبها از خواب زیاد پرهیز کن ، زیرا پر خوابی شبانه ، انسان را در روز قیامت فقیر و نیازمند خواهد کرد .

۷- یاد آوری بزرگی گناه به فرزندان

آلوده شدن به جرم و گناه از هیچ انسانی پذیرفته نیست به خصوص اگر سمت پدری یا مادری و در حقیقت مربیگری بر فرزندان را داشته و اسوه و الگو آنان باشد. گناه در تلقی اولیای دین امری بسیار خطرناک و بزرگ است و این وظیفه والدین و مربیان کودک است که خطیر بودن گناه را به او تذکر دهند و آثار منفی آن را به او بیان کنند. طبیعی است تا پدر و مادر خود از گناه فاصله نگیرند؛ نمی توانند در فرزندان خود تاثیر سودمندی بگذارند زیرا فرزندان تحت تاثیر دایمی اعمال و رفتار والدین و مربیان و ناظر گفتار و عمل اولیای خود هستند و آن دو را با هم مقایسه می کنند و به نتیجه می رسند که چه کاری را باید بکنند و چه کاری را نباید بکنند. مثلاً هر گاه نهیب پدر یا مادری را بشنوند که خود به گناه و انحراف آلوده اند و با این حال پی در پی نصیحت و اندرز می کنند، با خود می گویند: این یک شوخی است نه جدی، زیرا اگر چنین کارهایی بد و زشت است چرا خود از آن دست برنمی دارند. یک پدر و مادر نمونه باید با سیره و سلوک خود آن چنان گناه را در چشم فرزندان زشت و نا به هنجار جلوه دهند که فرزندان با درک آثار سوء آن و عاقبت گنهکاری، خود به خود از گناه فاصله بگیرند. بدیهی است که وقتی سخن آنان در دل فرزندان می نشیند که خود پاک و طاهر باشند، زیرا (رطب خورده کی تواند نهی رطب کند) البته گاهی نیز نوجوانان با فطرت اولیه، وقتی به زشتی گناه پی می برند علی رغم آلودگی والدین از ارتکاب گناهان خودداری می کنند و از این گذشته والدین خود را نیز تحت تاثیر قرار می دهند.

ائمه معصومین در زندگی خود با زبان و عمل به فرزندان خویش درس تقوا و خدا ترسی می دادند و گناه را با همان سیمای زشت که دارد به فرزندان یادآور می شدند. بنابراین در حریم زندگی و شعاع نفوذ آنان، از گناه و انحراف خبری نبوده زیرا حضور آنان همه جا را غرق در نور

می کرد و گناه و آثار سوء آن را در ذائقه ها چون زهری کشنده و پرتگاهی هلاکتبار ترسم می نمود و کمتر کسی از فرزندان و خویشان آن بزرگوار حاضر می شد به این زهر کشنده، و پرتگاه هلاکتبار نزدیک شود. لقمان حکیم ضمن سفارش به فرزند خود می فرماید: « یا بنی کیف تسکن دار من قد اسخطته ام کیف تجاور من قد عصيته » (شیخ مفید. ۱۳۸۸ق، ص ۳۳۶) فرزندم ! چگونه در خانه کسی که او را به خشم آورده ای زندگی می کنی و چگونه همجوار کسی هستی که معصیتش کرده ای.

لقمان حکیم با همان روش ساده خود جهان را به مثابه منزلی فرض کرده که خداوند میزبان و انسانها مهمان آنند. معصیت در محضر خداوند صاحب خانه است در شان یک مهمان نیست ، از مردانگی به دور است که کسی در ضیافتی شرکت کند و سپس با میزبان خود به دعوا و مرافعه برخیزد، یا در حضور او کارهای زشتی انجام دهد و میزبان را ناخشنود سازد .

وقتی مهمان با ارتکاب گناه و آلوده شدن به زشتی ، صاحب خانه را به خشم آورد، چگونه می خواهد در آن خانه بماند! آری ، بدین گونه لقمان احساس وجدانی و تعقل فرزند خویش را تحریک می کند و معنای گناه را به او می فهماند و عظمت آن را در حضور پروردگار غالم روشن می سازد .

لقمان حکیم به فرزند خود فرمود: «یا بنی آنه قد احصى الحلال الصغیر فکیف بالحرام الکثیر». (شیخ مفید. ۱۳۸۸ق، ص ۳۳۶) فرزندم ! به حلالهای کوچک رسیدگی شده است چه رسد به حرامهای بسیار. پسرم ! اگر اعمال نیک و بد، حتی به انداز هسنگینی خردلی باشد، در درون صخره ای یا در گوشه ای از آسمان یا درون زمین جای گیرد، خدا آن را در دادگاه قیامت حاضر می کند، و حساب آن را می رسد چرا که خداوند دقیق و آگاه است «یا بنی انها ان تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخره او فی السماوات او فی الارض یات بها الله ان الله لطیفخبیر» خردلگیاهی است که دارای دانه های سیاه بسیار کوچکی است که در کوچکی و حقارت ضرب المثل می باشد.

اشاره به اینکه اعمال نیک و بد هر قدر کوچک و کم ارزش ، و هر قدر مخفی و پنهان باشد، همانند خردلی که در درون سنگی در اعماق زمین، یا در گوشه ای از آسمانها مخفی باشد، خداوند لطیف و خبیر که از تمام موجودات کوچکو بزرگ و صغیر و کبیر در سراسر عالم

هستی آگاه است آن را برای حساب ، و پاداش و کیفر حاضر می کند، و چیزی در این دستگاه گم نمی شود!

امام صادق (علیه السلام) به فرزند خود امام موسی کاظم (علیه السلام) می فرماید: « و من استصغر زلّة نفسه استعظم زله غيره و من ایتصغر زلّة غيره استعظم زلّة نفسه .» (مجلسی. ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۰۲)

و هر که لغزشهای خود را کوچک بشمارد، لغزش های دیگران را بزرگ می یابد و هر کس لغزش های دیگران را کوچک بشمارد لغزش های خود را بزرگ خواهد دید. بنابراین به فرزندانمان بیاموزیم که لغزشهای خود را بزرگ بشمارند تا خود را بر دیگران برتر ندانند و دچار عجب و غرور نشوند. عجب از پلید ترین صفات و بزرگترین اسباب هلاکت است و شخص خود بین مغبوض خدا بوده و توفیق از او گرفته می شود.

علی (علیه السلام) ضمن وصیتی به فرزند خود امام حسین (علیه السلام) می فرماید: «والویل لمن بلی بحرمان و خذلان و عصیان لنفسه ما یکرهه من غیره و ازری علی الناس بمثل ما یتی.» (حرانی. ۱۴۰۴، ص ۸۷) وای بر آنکه گرفتار محرومیت و بی توفیقی و نافرمانیست و برای خود نیک می شمارد عملی را که برای دیگری عیب می داند و به مردم اعمالی را عیب می گیرد که خود نظیر آنها را انجام می دهد .

لقمان به فرزند خود گوید: « یا بنی لایعجبک احسانک و لاتتعظم بعلمک الصالح فتهلک .» (شیخ مفید. ۱۳۸۸ق، ص ۳۳۶) فرزندم ! مبدا به احسانی که به دیگران می کنی و عمل صالحی که انجام می دهی ، مغرور شوی و اعمال خوبی که انجام می دهی در نظرت بزرگ جلوه نکند که هلاک خواهی شد. شخصی که دچار عجب و غرور است خود را بی نیاز از انعام و بخشش خداوند می پندارد. خواسته های نفس پایان ناپذیر است اگر انسان یک گام در پی آن رود مجبور می شود گام های بعدی را نیز برود.

-لقمان حکیم به فرزند خود گوید: « یا بنی انه النفس عن هواها فانک ان لم تنه النفس عن هواها لم تدخل الجنّه و لم ترها.» (شیخ مفید. ۱۳۸۸ق، ص ۳۳۴) فرزندم ! نفس خود را از هوا هوسها بازدار، زیرا اگر چنین نکنی و نفس خود را از زشتیها باز نداری ، نه داخل بهشت می شوی و نه آن را می بینی .

نتیجه گیری :

پدران که مسول تربیت فرزندان هستند در موارد بسیار از اندرز و نصیحت برای تربیت فرزند استفاده نموده اند که یکی از این موارد در جهت تربیت اخلاقی آنان و شکل دادن رابطه خود انسانی آنان با شخصیت حقیقی مورد انتظار از آنان است .